



چرا فیلسوفان مسلمان به اخلاق فضیلت‌گرا رو آوردند

یک استاد دانشگاه با بیان اینکه برخی از اصول اخلاقی ارائه شده در کتبی چون کیمیای سعادت، قابوسنامه حتی گلستان سعدی امروزه منسوخ شده گفت: برای نمونه آنجا که سعدی می‌گوید: «نه همین لباس زیباست نشان آدمیت» در جامعه مدرن جایگاهی ندارد.

یک استاد دانشگاه با بیان اینکه برخی از اصول اخلاقی ارائه شده در کتبی چون کیمیای سعادت، قابوسنامه حتی گلستان سعدی امروزه منسوخ شده گفت: برای نمونه آنجا که سعدی می‌گوید: «نه همین لباس زیباست نشان آدمیت» در جامعه مدرن جایگاهی ندارد.

دکتر محمد بقایی (ماکان) در خصوص این موضوع که چرا فیلسوفان مسلمان تاکید بر اخلاق فضیلت‌گرا داشتند به خبرنگار مهر گفت: اخلاق اصولاً فضیلت‌گرا است حال چه از آنسو چه از اینسو. اخلاق در هر حوزه اخلاقی و در هر جای جهان به هر صورت فضیلت‌گراست یعنی نظر به علم معنا یا دیدگاه‌های متعالی دارد.

وی در ادامه تصریح کرد: حال این متعالی بودن هم خود امری نسبی است یعنی جزو مفاهیم اعتباری به شمار می‌آید که ممکن است در یک حوزه اخلاقی مفهوم خاصی داشته باشد و در حوزه اخلاقی دیگری معنای دیگری پیدا کند.

این محقق یادآور شد: بنا بر این از این مقدمه نتیجه می‌گیریم که اخلاق اصولاً امری اعتباری است حال این اصول چه در نحله خاصی باشد یا در تفکرات دیگری قرار داشته باشد؛ خواه مادی و خواه معنوی باشد.

وی تأکید کرد: از اینرو از زمانیکه بشر وارد تفکرات اخلاقی شد که بیشتر در دستگاه فکری فیلسوفان بروز کرد به خصوص اگر بخواهیم این اصطلاح را ریشه‌یابی کنیم باید گفت که در دو حوزه فکری ایرانی و یونانی بطور موازی در دامان دو فلسفه رشد کرد که یکی به قول سهروردی حکمت خسروانی بود و یکی هم به قول ارسطو، اخلاق نیکوماخوسی. بنا بر این هر دو قطب اصول اخلاقی، تعاریفی برای خودشان داشتند که خاص دیدگاه‌های خودشان بود.

بقایی ماکان در خصوص این موضوع که آیا علل انتخاب فضیلت‌گرایی در اخلاق از سوی فیلسوفان مسلمان که متأثر از اندیشه‌های افلاطون و ارسطو بوده به دلیل نزدیکی این اصول اخلاقی به آموزه‌های اسلام بوده است نیز تصریح کرد: البته این مفاهیم بعدها با آموزه‌های دینی در آمیخت یعنی اخلاق نیکوماخوسی با تحقیقاتی که فلاسفه‌ای چون آگوستین در فلسفه افلاطون و آکوئیناس در فلسفه ارسطو به عمل آوردند اخلاق مسیحی را مبتنی بر دیدگاه‌های افلاطون و ارسطو کردند و آمیزه‌ای از این دو قطب پدید آمد که در واقع بنیان اصول اخلاقی دنیای غرب را تشکیل می‌داد.

این استاد دانشگاه در ادامه تصریح کرد: در شرق به خصوص در ایران نیز وضعیت به همین ترتیب است. یعنی فلاسفه‌ای مانند سهروردی و پورسینا و فارابی حتی صدرای شیرازی و هادی سبزواری دیدگاه‌ها و آموزه‌های دینی را وارد فلسفه کردند و آمیزه‌ای بنام اصول اخلاقی پدید آوردند که خاص دستگاه فلسفی خود آنها است.

وی یادآور شد: البته این را هم باید اضافه کرد که در این تحقیقات فلسفی که اخلاق طبیعتاً بخشی از این دستگاه فکری را شامل می‌شود بی‌تأثیر از دیدگاه‌های فلسفی یونان نبوده است. ولی به هر صورت آنچه که پدید آمد به مقدار زیادی رنگ و بوی شرقی داشت.

مؤلف "لعل روان، شرح و بررسی تطبیقی غزل‌های اقبال" تأکید کرد: نتیجه اینکه فلاسفه اسلامی وقتی صحبت از اخلاق می‌کنند چیزی نیست که بگوییم به طور کامل و تمام و کمال از تراوشات ذهنی آنهاست و پیشتر سابقه یا ریشه‌ای در هیچ یک از نحل‌ها و دستگاه‌های فکری دیگری نداشته است.

وی افزود: برای مثال در حدیث نبوی است که (لا تسبّ الدّهْرانَ الدّهْر هُوَ الله) به زمان دشنام ندهید که زمان همان خداوند است. این حدیث یک اصل اخلاقی است، یعنی یکی از تعالیم اخلاقی دین مبین است که برای مسلمانان صدر اسلام که بسیار از روزگار می‌نالیدند و به زمان لعنت می‌کردند روایت شده است.

این اقبال‌پژوه در ادامه تصریح کرد: اما این تفکر اگر از جانب فیلسوفی تکرار بشود و استناد بشود به این حدیث خود این تفکر ریشه "زروانی" دارد زیرا اولین کسیکه گفت به زمان دشنام ندهید که زمان همان خداوند است از گفته‌های آئین زروان یا از آموزه‌های زروانیست است شواهدی از این دست زیاد است. بنا بر این وقتی صحبت از اخلاق می‌شود باید به مفاهیم اعتباری بیشتر توجه کرد تا به معانی قطعی.

بقایی در خصوص این موضوع که آیا ارزش‌های اخلاقی در طول زمان ثابت می‌مانند نیز یادآور شد: اخلاق به هیچ روی جنبه قطعیت ندارد همچون سیماب لغزنده است هر لحظه به شکلی در می‌آید ممکن است چیزی که تا چند سال پیش اخلاق محسوب می‌شده امروز بر اساس یافته‌های جدید علمی یا تحقیقات اجتماعی و پیشرفت‌های دانش روانشناسی و امثال اینها دیگر اخلاق به شمار نیاید یا بسیاری از اصولی که پیشتر اخلاقی دانسته نمی‌شد اکنون اخلاق به شمار آید. لذا این که متفکران چه در دنیای مسیحیت چه در دنیای اسلام آنچه می‌گویند تحت الشعاع این قاعده کلی قرار می‌گیرد.

وی تأکید کرد: از همین روست که بسیاری از کتاب‌های اخلاقی که در طول تاریخ نوشته شده از جمله در ادب فارسی مثل کیمیای سعادت، قابوسنامه حتی گلستان سعدی مواردی در آن هست که امروز دیگر به کار بشر نمی‌آید.

این استاد دانشگاه در پایان افزود: برای مثال آنجا که سعدی می گوید: « نه همین لباس زیباست نشان آدمیت» ممکن است تا اواخر دوره قاجار که یک جامعه ژولیده به مزاق خیلی ها به عنوان یک اصل اخلاقی خوش می آمد، امّا امروز در جامعه آراستگی نشانه بارز مدنیت است.